

آزادی مطبوعات در افغانستان

تحقیقات و مطالعات ستراتیژیک که در زمینه مطبوعات و آزادی اطلاعات جمعی در افغانستان صورت گرفته است بیانگر اینست که در این کشور مطبوعات آزاد وجود نداشته و اگر وجود هم داشته باز هم تحت قیادت، آزار و سانسور حکومتها و رژیم های سابق بوده است. اطلاعات حاکی از اینست که موضوعات مربوط به رسانه های چاپی همیش توسط دولت‌مندان و حاکمان آنوقت و زمان تحت بازپرسی، تعقیب و پیگیری جدی قرار می‌گرفت.

فقط مطبوعات دولتی منحصراً یگانه منبع مستقل آگاهی عامه فعالیت مینمود. بنده منحصراً یک تحلیلگر و آگاه مطبوعاتی و اقتصادی نظر مختصری به این موضوع میندازم. در طول ۱۳۰ سال اخیر وضع مطبوعات و رسانه های همگانی در کشور به حالت انزوا قرار داشته است، به استثنای دهه دموکراسی یعنی تلویزیون، رادیو، مطبوعات طباعتی (نشریه ها، مجلات، اخبار، هفته نامه ها، ماه نامه ها و روزنامه ها) کلاً تحت تسلط و قیادت حکومت و پالیسی های دولت ها و دولت مردان بوده است چنانچه...

رژیم طالبان تمامی زیربنای مطبوعات و سیستم اطلاعات، رسانه های همگانی دولتی و غیر دولتی را کلاً با تمام ساختار تشکیلاتی آن به باد فنا دادند. سوختاندن چندین مراکز مطبوعاتی، بستن و کشتن چندین زن ژورنالیست و همچنان به آتش زدن و تخریب نمودن سرمایه ملی کشور یعنی آرشیف ملی و حریق نمودن مطبوعات دولتی توسط جنگهای داخلی تنظیمی نمونه ای از سبوتاز فرهنگی این دوره ها بشمار میرود.

مطبوعات از سال های ۱۸۷۳ - ۲۰۰۱

تحقیقها نشان میدهند که سالهای ۱۸۷۳ الی ۱۹۷۳ در تاریخ مطبوعات و رسانه ها به نام دوره طلایی یاد میشود. زیرا برای بار نخست اولین اخبار یعنی (شمس النهار) در سال ۱۸۷۳ به چاپ رسید که بعداً با داشتن مشکلات و عوامل سیاسی آن زمان دیگر نتوانست این نشریه به فعالیت فرهنگی خویش ادامه بدهد.

به قول از تاریخ (غبا)، گویا اولین نشریه افغانستان بنام (افغان) توسط دانشمند و فیلسوف افغان سید جمال الدین افغانی که در آنزمان در زندان بالاحصار کابل به سر میبرد، تهیه و ترتیب گردید ولی از طرف حکومت و عوامل سیاسی آن زمان اجازه چاپ و نشر آن داده نشد. سرانجام دومین روزنامه یعنی (سراج الاخبار) به فعالیت مطبوعاتی خود آغاز کرد که یک مشکل بزرگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای همسایگان در منطقه بشمار میرفت. اما از آغاز ۱۹۰۲ الی ۱۹۱۹ فعالیت در عرصه های فرهنگ، رسانه ها و سیستم مطبوعاتی بطی بوده تا به قدرت رسیدن امیر امان الله خان غازی که توانست انقلاب فرهنگی و تغییرات بنیادی را در سیستم تشکیلاتی مطبوعات و مطبوعات آزاد بوجود بیاورد. امان الله خان در ساختار سیستم و پالیسی سازی در عرصه های مختلف، نقش عمده و بسزای را ایفا نموده است. انقلاب های فرهنگی و غیره که در این دوره بوجود آمده است عبارتند از، فراهم نمودن تحصیلات عالی برای شاگردان در بیرون از مرز ها، حقوق زن در جامعه، حفظ الصحة، حقوق بشر، حقوق طفل و غیره عرصه های حیاتی و اجتماعی بشمار میرود. باید گفت که ملکه ثریا خانم امیر امان الله خان غازی اولین "نشریه زن" را در سال ۱۹۲۲ الی ۱۹۲۳ در افغانستان تاسیس و به نشر رساند. در جریان این سالها افغانستان دارای ۲۳ نشریه آزاد و مستقل در جهان مطبوعات داشته که در قانون اساسی آن زمان تذکر رفته است.

باید خاطر نشان کرد که برای نخستین بار رادیو در افغانستان یعنی رادیو کابل در سال ۱۹۲۸ در زمان امیر امان الله خان به نشرات خود آغاز کرد و این یگانه وسیله اطلاعاتی جمعی بود که مردم را از جریانات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین المللی آگاه میساخت.

امیر امان الله خان همیشه راجع به حقوق زن، مطبوعات آزاد و آزادی بیان سخن میگفت و میفرمود که " زنها نیم پیکر جامعه را تشکیل میدهند و باید دوشا دوش مرد ها کار نمایند". متأسفانه رفته رفته برای پیام های امیر شکل دیگری داده شده و تعبیر غلط از آنها به عمل می آمد و سر انجام در سال ۱۹۲۹ امیر تحت فشار های گوناگون و ناهنجاری ها و بی سر و سامانی های داخلی قرار گرفته و افغانستان ترک گفت.

بعد از سلطنت امان الله خان مطبوعات در حالت انزوا و ورشکستگی فرهنگی درآمد. در جریان سلطنت ۴ ساله اعلحضرت نادر خان نظر به وضع سیاسی کدام تغییری بنیادی در سیستم مطبوعاتی کشور رونما نگردید. در سال های ۱۹۳۳ الی ۱۹۷۳ زمان سلطنت ظاهر شاه جریانات فرهنگی یعنی مطبوعات با آهستگی رشد میکرد، اما تغییرات چشم گیری در عرصه مطبوعات آزاد و جهانی شدن آن در دهه دیموکراسی به عمل آمد.

در سال ۱۹۴۰ اولین ارگان نشراتی یعنی (اژانس اطلاعاتی باخترا) پا به عرصه فعالیت گذاشت و آغاز گر مطبوعات چاپی در کشور گردید.

رادیو کابل با نصب یک فرستند جدید به صورت افغانستان شمول به نشرات آغاز کرد و روی همرفته مطبوعات و رسانه های همگانی جایگاه اصلی خود را در جامعه پیدا میکند،

کشور ما در سال ۱۹۷۳ دارای ۷۰ نشریه مستقل و غیر مستقل بود، اما مطبوعات و سیستم اطلاعات از آغاز سال ۱۹۷۳ الی ۲۰۰۱ کلاً تخریب گردید. در سه دهه اخیر منجمه حکومت طالبان تمام مطبوعات و سیستم رسانه های همگانی از هم متلاشی و فلج بودند. اما از شروع دموکراسی یعنی دولت انتقالی اسلامی افغانستان و دولت فعلی تغییرات چشم گیری در ساحه مطبوعات آزاد در کشور رونما گردید.

در سال ۱۹۷۳ در افغانستان از طرف مرحوم محمد داوود نظام جمهوری اعلام گردید که در جریان دولت ۵ ساله داود خان مطبوعات آهسته، آهسته رونق می گرفت و چندین نشریه آزاد و مستقل پا به عرصه فعالیت گذاشته بودند. اما بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ مطابق به ۱۹۷۸ الی ۱۹۷۹ و به قدرت رسیدن دولت کمونست ها در افغانستان تمامی مطبوعات و فرهنگ رسانه های همگانی چه در مرکز و چه در ولایات تحت کنترل و قیادت رژیم کمونست ها قرار داشت. تمام برنامه های شوروی سابق توسط رادیو مرکزی، رادیو های ولایات و تلویزیون ملی و نشرات چاپی بشکل پروپاگند بخش و نشر میگردیدند، یعنی نشریه های دولتی مانند انیس و هیواد کاملاً از اهداف رژیم پشتیبانی میکردند و تمام مقالات و تحلیل های سیاسی اهداف کمونست ها را بیان میکرد و بس، یعنی آزادی بیان و مطبوعات آزاد اصلاً در چهار چوکات دولت به نظر نمیخورد.

در جریان رژیم طالبان در سال ۱۹۹۶ تمام مطبوعات تحت کنترل این رژیم قرار داشت، رادیو ها و چندین نشریه محدود فقط منابع پروپاگند این رژیم و خط مشی این نظام را بیان میکرد. رژیم طالبان که مانع تمام پشرفت ها در جامعه بودند و تحریم را در ساحات علمی، فرهنگی و موضوعات اجتماعی از قبیل رفتن دختران به مکتب و پوهنتون ها، تلویزیون و غیره وضع نموده و مطبوعات زنده در جامعه نبوده، چندین نشریه اگر بود تنها و تنها فعالیت های سیاسی طالبان را انعکاس میدادند.

آغاز مرحله نوین برای مطبوعات و آزادی آن در افغانستان بعد از فروپاشی دوره طالبان یعنی آغاز سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۳ محسوب میگردد. زیرا دولت انتقالی اسلامی افغانستان قانون مطبوعات آزاد را در افغانستان در قانون اساسی گنجانید که یک انقلاب فرهنگی در عرصه مطبوعات به شمار میرود.

قانون مذکور اجازه نشرات آزاد از قبیل رادیو، تلویزیون و نشریه ها را برای هر فرد افغان که تابعیت افغانستان را دارا باشد داده است. چنانچه فعلاً بیشتر از ۳۳۰ نشریه آزاد و مستقل و بیشتر از ۳۵ تلویزیون آزاد و بیشتر از ۸۰ رادیوی آزاد در کشور به نشراتی خویش میپردازند. باید خاطر نشان ساخت که نشرات چاپی از قبیل روزنامه، هفته نامه و ماه نامه به فعالیتهای مطبوعاتی و طباعتی خود ادامه میدهند. باوجود اینکه مطبوعات آزاد لحاظ کمیت به اوج خود رسیده است، ولی از نظر کیفیت تمام نشرات، خصوصاً تلویزیون ها به پخش پروگرام های مبتذل که مغایر فرهنگ جامعه، ارزش های انسانی، اسلامی و افغانی می باشند به نشر میرسند که جامعه ما را به سوی انحرافات اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نا به سامانی های فامیلی می کشاند. چون افغانستان یک کشور اسلامی و با ارزش های اسلامی، سنتی و فرهنگی استوار است. اگر از این فاجعه (فقر فرهنگی) که از غرب و از کشور هندوستان به این سرزمین رخنه کرده است جلوگیری اساسی و بنیادی از سوی دولت افغانستان نگردد، تمام ارزشهای معنوی این مرز و بوم را به باد فنا داده و جامعه را به سوی فحشا و عقاید ضد اسلامی و انسانی سوق میدهد.

به نظر من یک سیستم تخصصی معیاری ژورنالیزم آزاد بین المللی (در چوکات اساسات اسلامی) می تواند تغییرات بنیادی و چشم گیر را در ساحه مطبوعات آزاد به میان بیاورد تا بتواند تما اقتشار جامعه را با خود داشته باشد و فرهنگ و ادبیات اصیل (دری/ پشتو) و دیگر زبانهای که در این مرز و بوم به نوشت و خوان گرفته میشوند، رشد و تقویت ببخشد، نه اینکه مانند سائر رسانه ها و تلویزیون ها در برابر لسانهای پشتو و دری که مانند خواهر و برادر در پهلوی یک دیگر از قرن ها بدینسو در این سرزمین پهناور مورد استعمال دارند، با ذهنیت گرایهای منفی پرداخته تا باشد که همسایه های بد اندیش ما از این دیده شوم نفع ببرند.

تمام تحولات که در یک جامعه رخ میدهد، چی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد، موضوع مورد علاقه همان جامعه می باشد. فقط یگانه مرجع که این موضوعات را تحت پوشش خبری قرار میدهد رسانه های همگانی می باشند که به کوش مردم در دور ترین نقاط سرزمین می رساند. باید خاطر نشان کرد که تمامی نشرات چاپی و اطلاعاتی از قبیل تلویزیون، رادیو و نشریه های آزاد باید ستراتیژی معیاری و تخصصی ژورنالیزم بین المللی و سیستم نگارش معیاری حرفوی را در جریانات خبری و چاپی خویش مدنظر بگیرند، تا بتوانند که یک سیستم مطبوعات آزاد و فرهنگ مطبوعات آزاد بین المللی را در اساسات دموکراسی و آزادی بیان در کشور عزیز ما افغانستان عملی نمایند.

پایان